

در سینماها نداشتند اما امسال وضعیت تا حدی متفاوت است. این تفاوت را می‌توان در تعداد مخاطبان سینماها و میزان فروش فیلم‌ها، به وضوح درک کرد. تعداد مخاطبان فیلمی مثل «فسیل» که رکوردهای بسیاری را جابه‌جا کرد، در نوروز ۱۴۰۲ بسیار پایین‌تر از تعداد مخاطبان «تمساح خونی» بود و این تفاوت در سایر رتبه‌های جدول هم وجود دارد. ضمن اینکه سینماها در نوروز ۱۴۰۳ از روز دهم تا پانزدهم فروردین‌ماه به‌دلیل ایام سوگواری تعطیل بودند و ازاین جهت نمی‌توانستیم کل ۱۳ روز تعطیلات نوروز را به‌عنوان معیار در نظر بگیریم. به‌همین‌دلیل هم این مقایسه

از روز ۲۵ اسفندماه تا ۱۰ فروردین‌ماه انجام شده است. در این بازه زمانی، سینماها ۶۷ میلیارد تومان فروش کرده‌اند و یک میلیون نفر برای تماشای فیلم‌ها به سینماها رفته‌اند. سال ۱۴۰۲ در همین بازه زمانی، فروش سینماها ۲۶ میلیارد تومان بود و ۵۳۳ هزار نفر به سینماها رفتند. فیلم «تمساح خونی» روز ۱۶ اسفندماه اکران شد و در همان روز اول یک میلیارد تومان فروخت و در هفته اول با فروش ۱۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان رکورد زد. این فیلم در بازه زمانی ۲۵ اسفندماه ۱۴۰۱ تا ۱۰ فروردین‌ماه ۱۴۰۲ موفق شد فروشی ۴۹ میلیارد تومانی را به نام بزند و پای ۷۳۰ هزار نفر را به سینماها باز کند. درواقع میزان مخاطبان «تمساح خونی» در بازه زمانی مشترک با «فسیل»، ۲۷۵ هزار نفر بیشتر بوده است. فاصله فروش فیلم «تمساح خونی» با رتبه دوم جدول فروش، یعنی «بی‌بدن» هم ۳۹ میلیارد تومان است. «تمساح خونی» در این بازه زمانی ۱۴ روزه، ۵۰۹ سالن نمایش در اختیار داشته است. دومین فیلم جدول فروش اکران نوروزی در سال ۱۴۰۲، «غریب» به کارگردانی محمدحسین مهدویان بود. این فیلم ۲۵ اسفندماه سال گذشته اکران شد. امسال جایگاه دومین فیلم پرفروش جدول در اختیار «بی‌بدن» قرار دارد؛ فیلمی که ۲۳ اسفندماه اکران شد. «بی‌بدن» به کارگردانی مرتضی علیزاده در روز افتتاحیه، ۱۷۰ میلیون تومان فروش کرد و ۲ هزار و ۲۵۰ نفر مخاطب داشت. در بازه زمانی ۲۵ اسفندماه تا ۱۰ دی‌ماه، ۹ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان فروخته و ۱۴۰ هزار نفر برای تماشای آن به سینماها رفته‌اند. در مقایسه با فیلم دوم جدول فروش سال گذشته، حدود ۸ میلیارد بیشتر فروش داشته و میزان مخاطبانش هم صد هزار نفر بیشتر بوده است. این فیلم در بازه زمانی ۱۴ روزه، ۳۸۲ سالن نمایش در اختیار داشته است. سومین فیلم پرفروش اکران نوروز سال گذشته، «عروس خیابان فرشته»، به کارگردانی مهدی خسروی بود. این فیلم روز ۲۵ اسفندماه سال ۱۴۰۱ اکران شد. این جایگاه در اکران نوروزی ۱۴۰۳ در اختیار فیلم «آپاراتچی» است. این فیلم ۲۳ اسفندماه ۱۴۰۲ روی پرده رفته است. «آپاراتچی» به کارگردانی قربانعلی طاهرفر، از ۲۵ اسفندماه تا ۱۰ فروردین‌ماه ۱۴۰۳، با فروش ۲ میلییارد و ۵۰۰ میلیون تومانی در جایگاه سوم جدول فروش قرار گرفته است. ۸۰۰ میلیون بالاتر از سومین فیلم پرفروش سال گذشته، این فیلم در مدت ۱۴ روز موردنظر، ۴۰ هزار مخاطب داشته که از این نظر تفاوت چندانی با «عروس خیابان فرشته» ندارد. «آپاراتچی» در این مدت زمان، ۲۷۸ سالن نمایش در اختیار داشته است. با نگاهی به آثار اکران‌شده در ایام نوروز طی چند سال اخیر، می‌توان به این واقعیت دست یافت که فیلم‌های کمدی، سپس اجتماعی توانسته‌اند در اکران نوروزی موفق ظاهر شده و سهم زیادی در جذب مخاطب داشته و فروش بالایی را نیز به‌نوعی رکورد ببرند. فیلم اجتماعی «شوکران» و فیلم کمدی «اخراجی‌های یک»، یکی از این دو نمونه مذکور در دهه ۸۰ بوده‌اند که اکران نوروزی بسیار موفقی داشتند و استقبال بی‌نظیر مردم و فروش آنها، این مهم را تایید کرده است و نمونه‌هایی شبیه آنها، طی چند سال گذشته توانسته‌اند اهمیت نمایش و موفقیت آثار کمدی و اجتماعی را در جذب مخاطب و موفقیت در گیشه به‌ویژه در اکران نوروزی به اثبات برسانند. باتوجه به استقبال مردم و فروش فیلم‌های نوروزی پیش‌بینی می‌شود که فیلم‌های «تمساح خونی» و «بی‌بدن» به فروش میلیاردی خود ادامه دهند و بقیه نیز بتوانند به اندازه خودشان فروش خوبی را داشته باشند و هرکدام مخاطبان خاص خود را داشته باشند. از نکات بارز و جالب‌توجه اکران نوروزی سینماها، وجود تنوع ژانر در موضوعات مختلف است که این امر نشان می‌داد تا حدود زیادی نگاه تک‌بعدی در ساخت و نمایش فیلم‌ها برداشته شده است. بااین‌حال هیچ کدام از این شاخص‌ها نمی‌تواند نشان از وضعیت خوب سینمای ایران داشته باشد. حال خوب سینما را نمی‌توان از صندوق گیشه‌ها در گشودگی نسبت به سینماگران و آزادی آنها در روایت قصه‌های‌شان سنجید.

سیاوش کسرابی، به ماجرای تلاش عمو نوروز برای آوردن بهار و رفتن هرساله عمو نوروز به قله قاف برای آزاد کردن چلچله و آمدن بهار می‌پردازد اما ننه سرما در حال به خواب رفتن است و به‌واسطه حادثه‌ای که برای عمو نوروز اتفاق می‌افتد، این وظیفه بر دوش پسری به‌نام «نامی» افتاده است. فیلم «نوروز»، فارغ از ضعف‌ها و قوت‌هایش می‌تواند برای نوجوانان و آشنایی آنها با افسانه‌ها و آیین‌های کهن جذاب و آموزنده باشد، همچنین آغازگر مسیری برای ساخت آثاری درباره رویدادهای ملی تلقی شود.

▼ایلیا، جست‌وجوی قهرمان

در اکران نوروزی ۱۴۰۳، یک فیلم ترکیبی انیمیشن هم حضور دارد. «ایلیا، جست‌وجوی قهرمان»، در ژانر کودک و نوجوان به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی سیدعلی موسوی‌نژاد است. تکنیک این اثر ترکیبی از فیلم و انیمیشن است و در مورد یک پسر ایرانی به‌نام آرش است که یکی از چهار گیر برتر دنیااست که وارد یک بازی کامپیوتری جدید می‌شود. این بازی یک بازی آنلاین است و آرش و خانواده‌اش را درگیر یک ماجرای پلیسی بین‌المللی می‌کند. به‌نظر می‌آید انتخاب «ایلیا، جست‌وجوی قهرمان» از میان فیلم‌های موجود برای اکران در نوروز ۱۴۰۳، انتخابی هوشمندانه بوده و باعث تنوع‌بخشی به این فهرست شده و تنها اثری است که رگه‌های انیمیشن هم در آن وجود دارد. موسوی‌نژاد درباره این فیلم گفته بود: «ایلیا، جست‌وجوی قهرمان» یک اثر ضداسرائیلی است. او هم چنین به فضای جذاب فیلم اشاره کرده و گفته است که بچه‌ها در طول فیلم، احساس می‌کنند وارد بازی شده‌اند و با گیرم جلو می‌روند. او همچنین در مورد جنبه تاریخی فیلم می‌گوید: «یکی دیگر از دغدغه‌های من جنگ خیبر است و به‌شکلی موضوع را در فیلم جلو بردیم که کسی احساس نمی‌کند تاریخی است، اما همه وقایع تاریخی رخ می‌دهد.» داستان فیلم «ایلیا، جست‌وجوی قهرمان»، درباره کودکی ۱۱ ساله به‌نام آرش است که به‌عنوان نماینده ایران در بازی واقعیت مجازی «جست‌وجوی قهرمان» حضور دارد. با حذف ۳ بازیکن دیگر، آرش باید به تنهایی بازی را ادامه بدهد اما رفته‌رفته متوجه می‌شود که این یک بازی ساده نیست و پای خانواده‌اش به این بازی کشیده شده است. فیلم «ایلیا، جست‌وجوی قهرمان»، با شبیه‌سازی فتح قلعه خیبر توسط امام علی(ع) در بستر یک بازی واقعیت مجازی، به دنبال بیان حقیقت برای کودکان است و به گفته کارگردان آن، علی موسوی‌نژاد، ضداسرائیلی‌ترین فیلم ژانر کودک به حساب می‌آید.

▼فیلم‌های نوروزی در میزان گیشه

طبق آمارهای رسمی، فروش فیلم نوروزی در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۸۶ میلیارد و ۷۱ میلیون تومان با یک میلیون و ۳۲۵ هزار و ۵۶۸ نفر مخاطب رسید. اکران فیلم سینمایی «تمساح خونی» از ۱۶ اسفندماه ۱۴۰۲ آغاز شد و تا ۱۳ فروردین‌ماه به فروش ۶۵ میلیارد و ۹۰۶ میلیون تومان رسید. همچنین اکران فیلم‌های سینمایی «بی‌بدن»، «آپاراتچی»، «نوروز» و «آسمان غرب» از ۲۳ اسفندماه ۱۴۰۲ آغاز شد که از این تاریخ تا ۱۳ فروردین‌ماه، «بی‌بدن» به فروش بیش از ۱۰ میلیارد و ۴۸۵ میلیون تومان، «آپاراتچی» به فروش بیش از ۲ میلیارد و ۶۵۳ میلیون تومان، «نوروز» به فروش بیش از یک میلیارد و ۸۲۶ میلیون تومان و «آسمان غرب» به فروش بیش از ۹۵۷ میلیون تومان رسیدند.

اکران فیلم‌های سینمایی «پرویزخان» و «ایلیا، جست‌وجوی قهرمان»، نیز از ۲۲ اسفندماه آغاز شد و تا تاریخ ۱۳ فروردین‌ماه، «پرویزخان» به فروش بیش از ۲ میلیارد و ۶۹۶ میلیون تومان و «ایلیا، جست‌وجوی قهرمان»، به فروش بیش از یک میلیارد و ۵۴۴ میلیون تومان رسید. لازم به ذکر است، رقم درست فروش اکران نوروزی از زمان روی پرده رفتن فیلم‌های مختص این ایام، محاسبه می‌شود و رقم تفکیکی فروش سینمای ایران در ۱۳ روز ایام عید (اول تا ۱۳ فروردین‌ماه) نیز به ۶۱ میلیارد و ۳۷۷ میلیون تومان رسید. البته این آمار همچنان در حال تغییر است و باطبیع با حضور مخاطبان تازه بر عدد و رقم‌های آن افزوده می‌شود. استقبال مخاطبان از فیلم‌های اکران نوروز امسال در مقایسه با سال گذشته، بسیار بالاتر بوده است. بخشی از این اقبال به کیفیت و کمیت فیلم‌ها برمی‌گردد و بخشی از آن به حال‌وهوا و روحیه مخاطبان. سال ۱۴۰۱، سال سختی بود و به‌طور طبیعی مخاطبان حتی تا نوروز هم تمایل زیادی به حضور



▼آپاراتچی

«آپاراتچی»، هم نخستین فیلم قربانعلی طاهرفر است، هم یک اثری اقتباسی از کتاب «روح‌الله رشیدی». فیلمی در ادای دین به سینما که قصه آن در در دهه ۶۰ و سال‌های جنگ روایت می‌شود. جلیل با بازی (تورج الوند) عشق و شیفتگی مفرطی به سینما دارد و درحالی‌که به نقاشی ساختمان‌ها می‌پردازد، فیلم‌های کوتاه هم می‌سازد و در آرزوی ساخت اولین فیلم سینمایی اش است. بازیگران این فیلم تورج الوند، بهنام تشکر، هومن برق‌نورد، امید روحانی و... هستند. طاهرفر برای این فیلم که در ژانر کمدی ساخته شده، برنده جایزه ویژه هیئت‌داوران جشنواره فجر شد.

▼نوروز

شاید از حیث نام و مضمون، مرتبط‌ترین فیلمی که در اکران نوروزی به نمایش درآمده است، فیلم «نوروز» در مورد تاریخچه این عید و افسانه‌ها و اساطیر مربوط به آن است و اولین اثر تاریخ سینمای ایران است که به صورت مستقیم به آیین باستانی، نوروز می‌پردازد. سهیل موفق، کارگردانی این اثر را به‌عهده داشته که آثار دیگری همچون «دردسره‌های شیرین» و «شکلات» را هم تولید کرده است. «نوروز» می‌تواند گزینه مناسبی برای کودکان باشد؛ گرچه تماشای آن برای بزرگترها هم خالی از لطف و معنا نیست. علی نصیریان، بازیگر پیشکسوت و نام‌آشنای سینمای ایران در نقش «عمو نوروز» و شبنم مقدمی در نقش «ننه سرما»، در این فیلم به ایفای نقش می‌پردازند. مهدی هاشمی، افشین هاشمی، مهتاب ثروتی، سیاوش چراغی‌پور، علی آرا، طاها شادی‌فر، سحر حسینی و علی بوراک‌سیلان نیز دیگر بازیگران این فیلم هستند. کارگردان «نوروز» پیش از این گفته بود، توجه دخترش به بابائوتل و کریسمس همزمان با ضبط «پاستاربونی» منجر به شکل‌گیری این دغدغه در او شد تا بعد از «پاستاربونی»، «آپاراتچی» را، راجع به نوروز و این سنت ایرانی فیلم بسازد. حمزه صالحی، نویسنده این اثر نیز معتقد است که ادبیات غنی ایران ظرفیت‌های بسیاری برای بازنمایی اسطوره‌ها و رویدادهای کهن و ملی دارد و وظیفه ملی هر فارسی‌زبانی است که این فیلم را ببیند تا دروازه ساخت آثار موفق آیینی ازاین‌دست، باز شود. «نوروز» با بهره گرفتن از داستان «بعد از زمستان در آبادی ما»، نوشته

روی صحنه

آلبوم خانوادگی به‌منابه تاریخ معاصر

درباره‌نمایش «نقش‌هیتلر در آلبوم‌خانوادگی»



محمدحسن خدایی

منتقد تئاتر

بی‌شک یکی از مواج‌هاخت‌خلاقانه‌با تاریخ رسمی جهان و انضمامی کردن آن، روایتگری افراد از زندگی روزمره خویش و به‌نوعی بیان‌پذیر کردن تجربه‌های شخصی و تاریخ‌های خانوادگی است. از دل این رویکرد می‌توان هژمونی تاریخ رسمی را شکست و با میدان دادن به روایت‌های شخصی، به‌جای «تاریخ» از «تاریخ‌ها» گفت. کاری که دلارام موسوی و سروین کیانی، به میانجی نمایشنامه «نقش‌هیتلر در آلبوم‌خانوادگی» می‌خواهند، انجام دهند. برای این منظور دو خانواده معاصر ایرانی در نظر گرفته‌شده که درنهایت سرنوشت‌مشترکی می‌یابند. البته این اشتراک نتیجه گریزناپذیر زیستن در یک زمانه پرآشوب است و قرار گرفتن اشتباهی کشتی ایرانی در مقابل توپ‌های شلیک‌شده از نیروی دریایی ارتش هیتلر در بحبوحه جنگ جهانی دوم. از ییاد نبریم که چگونه این کشتی تجاری مغروق، متعلق به پدربزرگ متمول و تاجرپیشه‌یکی از این خانواده‌ها بوده و از بین رفتن اش موجب نابودی سرمایه مالی، تغییر در مسیر زندگی افراد خانواده و درنهایت یک سرنوشت‌مشترک شده است.

ساختار روایی نمایش بر بیانگری و روایتگری توأمان استوار شده و شخصیت‌ها این امکان را می‌یابند که نقش خویش را در زندگی‌بار دیگر بازنمایی کرده و در ضرورت لزوم از این نقش بازنمایانه فاصله گرفته و به روایتگری مشغول شوند. در این رفت و برگشت مابین بازنمایی و روایتگری است که فضایی کلی نمایش ساخته شده و تماشاگران به‌تدریج متوجه می‌شوند که نسبت این دو خانواده چیست و هرکدام چه روایتی از تاریخ معاصر ایران را از دیدگاه و چشم‌انداز خویش بیان می‌کنند.

به لحاظ بصری و از جایگاه یک تماشاگر، گویی مشغول ورق زدن یک آلبوم عکس خانوادگی هستیم. یک چارچوب بزرگ چوبی، فضای نمایش را قاب کرده و حس عکس‌بودگی صحنه‌ها را منتقل می‌کند. بازیگران این امکان را می‌یابند که گاهی از حصار این قاب خارج شده و به روایتگری از خاطرات گذشته بپردازند. اما این ورود و خروج از قاب باید در هماهنگی با کارگردان نمایش صورت گیرد. دلارام موسوی در جایگاه یک کارگردان جوان، از اتاق فرمان، شخصیت‌ها را خط‌باب کرده و همچون یک تسهیل‌گر عمل می‌کند. با آن‌که هماهنگی و همدلی مابین بازیگران و کارگردان در جریان است، اما گاهی این رویه دچار وقفه شده و شاهد تخطی بازیگران از روندی هستیم که کارگردان میل دارد آن را ترسیم کند. در این دقیق است که اقتدار نمادین کارگردان متزلزل شده و جریان امور با صلاحدید شخصیت‌ها به پیش می‌رود.

طراحی صحنه کمینه‌گرایانه نمایش، در خدمت اجراست. چند صندلی چوبی، دو کمد و یکی، دو تا فرش، به فراخور صحنه‌ها، به‌کار گرفته شده تا قاب‌های صحنه‌آرایی شده تعین مادی یابند. به‌رحال ژست اجرا قرار است حسی از عکس‌های خانوادگی در ایران معاصر را به‌ذهن متبادر کند و همه‌چیز باید در خدمت این قاب‌های عکاسانه باشد؛ ژست بدن‌ها و کیفیت استقرارشان در یک قاب‌تصویری، همچنین نسبت و رابطه‌ای که این بدنمندی با اشیاء برقرار می‌کنند، تداعی گر سیاست اجرایی این نمایش است. ازاین‌منظر اجرا با تلفیق بدن‌هایی عکاسی شده و ژست‌های ایستاده همچنین استفاده از تصاویر و عکاس‌های مستند خانوادگی و تاریخی، تلاش دارد شکلی از بازنمایی زندگی روزمره در قبل و بعد از انقلاب ۵۷ را بر صحنه به نمایش بگذارد. در این مسیر گروه جوان و همدل بازیگران با بازی‌های خوب سیما غلامی، محمدرعلی براتی، فاطمه رامدر، علی حدادی، فرانسه‌سیری، علیرضاولی‌پور و محمد جهانشاهی توانسته این فضای متاثر از رخدادهای تاریخی چون انقلاب و جنگ را به‌خوبی به نمایش بگذارد. البته اجرا بیش ازاین می‌توانست یک تاریخ شخصی را با تاریخ جهانی پیوند بزند و روایت رادیکال‌تری از اینجا و اکنون ما در نسبت با گذشته نه‌چندان دور بسازد. فی‌المثل با آن‌که استفاده از تصاویر آرشیوی خانواده جذاب و تماشایی می‌نماید، اما به‌لحاظ منطق روایت گاهی آن‌چنان که باید به امری ملموس و تجربه‌پذیر بدل نمی‌شود. شاید این مسئله به رویکرد کارگردان بازگردد که قصه گویی و مستندگرایی را به یک اندازه دوست دارد، اما به یک اندازه به آن بها نمی‌دهد.

